

دین مبین اسلام در انقلاب محتوایی ادب عربی نقشی مؤثر و بارز داشت، اما نفوذ فرهنگی ایران باستان نیز ادب عربی را از مضامینی نو و ارزشمند برخوردار ساخت. بعضی از آثار گران بهایی که با زبان پهلوی حاوی میراث فرهنگی دیرینه‌سال ایرانیان بود، بعد از ترجمه به زبان عربی، تمدن و فرهنگ اسلامی را از آن دسته از ذخایر معنوی ایرانیان که با احکام دین اسلام مغایر و معارض نبود، بهره‌مند کرد.

دبیر خردمند ایرانی عبدالحمید کاتب (مقتول به سال ۱۲۲ هـ) را نخستین نثرنویس بزرگ صاحب سبک در زبان عربی دانسته‌اند که شیوه انشاء و ترسل او بیانگر نفوذ فرهنگ ایران در ادبیات عرب می‌باشد. وی اطلاع از تاریخ ایران را یکی از لوازم نویسندگی دانسته و آن را با حفظ اشعار و لغت عرب برابر شمرده است.^۱

اقدام ابن المقفع (مقتول به سال ۱۴۲ هـ) برای حفظ آثار فرهنگی پهلوی (که از طریق ترجمه آنها به زبان عربی صورت گرفت) نیز به ورود عناصر فرهنگی جدید به ادب عربی انجامید.^۲ همچنین از رهگذر تلاش دولتمردان ایرانی که در اوائل عهد عباسی در دستگاه

توسل إلى الرسول

انشاء و تألیف
بهاء الدین محمد بن مویق بعدادی

مقابله و تصحیح
احمد بهمنیار استاد دانشگاه

مقدمه ۱۴۱۵
تهران
مرکز نشر طبع

خلافت موقعیتی ممتاز یافته بودند، زمینه مساعدی برای صیانت از ذخایر فرهنگی باستانی ایران (از طریق ترجمه آنها) فراهم شد و با برخورداری از این آثار، ادب عربی مایه‌ورتر گردید. به عبارت دیگر: «از طریق دبیرانی چون ابن مقفع و خاندان‌های دیوانی بزرگ اوائل عصر عباسی... نظیر آل سهل و برامکه است که موضوعات نثر عربی توسعه می‌یابد و ماهیتی قابل انعطاف پیدا می‌کند.»^۳

باری، با کوشش آگاهانه دبیران و دیوانسالاران خردمند ایرانی، خداینامک‌ها، پند نامک‌ها، داستان‌های بزمی، رزمی و اخلاقی، آیین نامک‌ها و دیگر آثار فرهنگی پهلوی که نقل آنها به زبان عربی یا مانع و محدودیتی مواجه نبود، در فرهنگ و تمدن اسلامی جایگاهی ویژه یافتند و در اعتلاء و بالندگی فرهنگ جدید بصورتی شگرف مؤثر واقع شدند.

با توجه به آنچه گفته شد، عهد اول عباسی را می‌توان روزگار نفوذ فرهنگ ایرانی در ادب عرب دانست. به قول استاد زرین کوب «نقش فرهنگ اشرافی عهد ساسانی در پیدایش آنچه در عهد اول عباسی به عنوان ادب مایه امتیاز کاتبان بزرگ و وزرای نامدار عصر محسوب می‌شد، اهمیت میراث اخلاقی و تربیتی فرهنگ زبان پهلوی را در آنچه در بازمانده رسایل آن عصر حتی در شکل منقولات عربی آنها منعکس بود، نشان می‌دهد.»^۴

از میان آثار نثر پهلوی عصر ساسانی، آئین‌نامک‌ها از لحاظ موضوع و محتوا دارای تنوعی چشمگیر بوده از آداب جنگ، قواعد انواع بازی، نحوه غذا خوردن، آداب لباس پوشیدن و دیگر رسوم و عادات متداول صحبت می‌کردند. نامه‌نگاری از جمله مواردی بود که ضرورت تدوین آداب مربوط به آن در ایران باستان مورد توجه اهل قلم قرار گرفته و به تألیف رساله‌ای با عنوان «آئین آئین نامک نیشتن» انجامید. این رساله که به زبان پهلوی در عهد ساسانیان فراهم آمده است «اهمیت نامه‌نویسی و ظرافت پیشه دبیری را در جامعه ساسانی نشان می‌دهد.»^۵

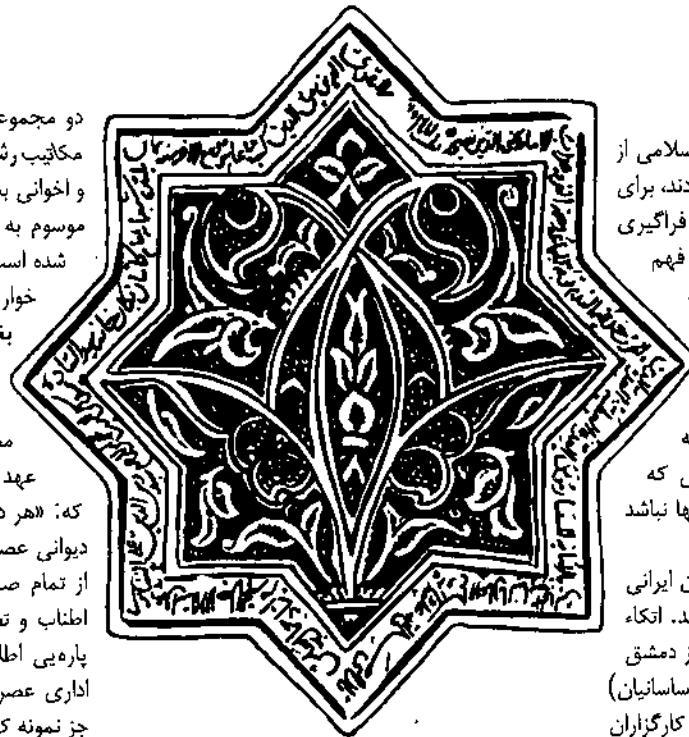
برخی از نامه‌های بازمانده از عهد ساسانیان شامل مباحث دینی می‌باشد و در سایر آنها به مسائلی دیگر پرداخته شده است. «نامه تنسر به گشنسب» از جمله نامه‌های دینی عهد ساسانیان است که توسط ابن مقفع به عربی برگردانده شد و بعدها این ترجمه عربی به‌وسیله ابن اسفندیار (مؤلف تاریخ طبرستان) به فارسی دری نقل شد.^۶ از نامه‌های غیر دینی مربوط به عهد ساسانیان بعضی به نظم و نثر فارسی دری درآمده است. به عنوان مثال در شاهنامه فردوسی نامه‌ها و فتح‌نامه‌های بسیاری آورده شده است. همچنین بعضی از نامه‌های مربوط به عهد ساسانی به زبان عربی نقل شده که از آن میان نامه خسرو انوشیروان راجع به طغیان فرزندش انوش زاد در کتاب اخبار الطوال دینوری مذکور است و در تاریخ طبری از نامه انوشیروان خطاب به پادوسپان آذربایجان سخن

رفته است.^{۱۰}

بعد از سقوط ساسانیان و ظهور خلافت اسلامی از یک سو دبیران که کارگزاران دولت ساسانی بودند، برای حفظ مناصب دیوانی خود در نظام جدید به فراگیری زبان و کتابت عربی و سایر اطلاعات که به فهم بیشتر و بهتر آن زبان منتهی می‌شد، پرداختند. از جانب دیگر اعراب مسلمان پس از تصرف قلمرو ساسانیان، «طبیعی بود که در امر اداره آن و به منظور اجتناب از کسر عواید و اهتمام در توسعه خزاین غنیمت یافته نیز از میراث تجربه و فرهنگ قوم تا جایی که معارض با سیرت و سنت کیش و نژاد خود آنها نباشد هم بهره گیرند».^{۱۱}

با روی کار آمدن عباسیان وزیران و دبیران ایرانی در امور دیوانی خلافت حضوری قدرتمند یافتند. اتکاء آل عباس بر قدرت ایرانیان به تغییر پایتخت از دمشق به بغداد در نزدیکی تیسفون (پایتخت سابق ساسانیان) انجامید. در آن حال خلفای عباسی تحت تأثیر کارگزاران ایرانی خویش به شیوه ملک داری ساسانی متوجه شدند. همچنین تشریفات خاص و شکوه و جلال دربار ساسانی حکومتگران جدید را مجذوب و به احیای سنن فرهنگی و مراسم باستانی ایرانیان ترغیب کرد. از این رهگذر بود که به مرور فرهنگ ایرانی و از آن جمله، اصول و فنون دبیری ایرانیان باستان در ادب عربی جایگاهی ممتاز یافت. چنانکه به قول استاد زرین کوب «نثر کاتبان در ادب عربی از تهذیب و تربیت دبیران پهلوی مایه دارد».^{۱۲} در زمان امارت سامانیان بر نواحی شرقی و شمال شرقی ایران، زبان پارسی دری با حمایت امیران آن سلسله و وزرای خردمند آنها احیاء گردید و گسترش یافت. اما علاوه بر آن تقلید از شیوه ادب عربی وابسته به دستگاه خلافت عباسی که تحت تأثیر ارتباط‌های اداری بین دیوان خراسان و بغداد مطرح گردیده بود، منجر به ایجاد سبک خراسانی در نظم و نثر گردید. با این شیوه بود که دبیران عهد سامانی موفق شدند «مرد ریگ باستانی مربوط به تربیت و تهذیب عهد ساسانی را از طریق آنچه ادب عربی خود از پهلوی اخذ و اقتباس کرده بود در نظم و نثر دری و ادب فارسی عهد اسلامی مجال انعکاس دهند».^{۱۳}

چنانکه می‌دانیم نثر و نظم فارسی در عهد غزنویان کمابیش ویژگی‌های عصر سامانی را حفظ کرد. اما از عهد سلجوقیان غلبه تربیت یافتگان عرب‌مآب مدارس نظامیه در امور و مناصب دیوانی هم، شعر را «از سادگی نسبی سبک خراسانی به آراستگی نمایشی سبک عراقی کشانده بود»^{۱۴} و هم نثر مصنوع و متکلف را رایج ساخت. نامه‌های معدود بازمانده از عهد غزنوی (اعم از «سلطانیات» یا نامه‌های حکومتی، و «اخوانیات» یا نامه‌های خصوصی و دوستانه) که در تاریخ بیهقی مذکور است نثر ساده و روان دارد. اما از دوره سلجوقیان مجموعه معروف به عتبه الکتبه از منشآت منتجب‌الدین اتابک جوینی (مشهور به علی‌ابن احمد الکاتب) باقی مانده



دبیر خردمند ایرانی عبدالحمید کاتب (مقتول به سال ۱۳۲ هـ) را نخستین نثرنویس بزرگ صاحب سبک در زبان عربی دانسته‌اند که شیوه انشاء و ترسل او بیانگر نفوذ فرهنگ ایران در ادبیات عرب می‌باشد.

رسالة «اندر آیین نامک نپشتن» که به زبان پهلوی در عهد ساسانیان فراهم آمده است، اهمیت نامه‌نویسی و ظرافت پیشه دبیری را در جامعه ساسانی نشان می‌دهد

است که از لحاظ انشاء، مستحکم و متین می‌باشد»^{۱۵} و به قول سعدالدین وراوینی «به بدایع و روایع کلمات و نکات مشحون است»^{۱۶}. اما به نظر دکتر زرین کوب «با وجود متانت و جزالت انشاء نشانه چندانی از لطف بیان واقعی که ورای تصنعات فنی است در اجزای آن نیست»^{۱۷} عتبه الکتبه یا مجموعه منشآت منتجب‌الدین که در اواخر حکومت سلطان سنجر سلجوقی به خواست وزیر سلطان توسط خود منتجب‌الدین جمع‌آوری و تدوین گردیده، برای کاتبان دیوانی آن عهد سرمشق تعلیم انشاء گردید و «وقتی کتابی با چنین انشای جزل و محکم اما آکنده از سجع و اطناب سرمشق کاتبان دیوان گردد پیداست که انشای اداری درین عهد تا چه حد باید به اقتضای غلبه ذوق اهل مدرسه از سبک نامه‌های اداری ساده و ملطفه‌ها و توقیع‌های موجز و عاری از تکلف عهد غزنوی که نمونه آنها در تاریخ بیهقی هم هست دور افتاده باشد»^{۱۸}.

از منشآت دبیران دیوان رسایل خوارزمشاهیان نیز

دو مجموعه باقی مانده است. یکی از این مجموعه‌ها مکاتیب رشیدالدین وطواط است که شامل ده نامه دیوانی و اخوانی به زبان فارسی می‌باشد و توسط او در مجموعه موسوم به ابکار الافکار فی الرسائل و الاشعار گردآوری شده است.^{۱۹} دومین مجموعه نامه‌های مربوط به دوره خوارزمشاهیان، منشآت بهاء‌الدین محمدبن مؤید بغدادی (از اهالی بغدادک خوارزم) منشی علاءالدین تکتی خوارزمشاه (۹۶-۵۶۸ هـ) می‌باشد که با عنوان التوسل الی الترسل معروف است.^{۲۰} راجع به این دو مجموعه منشآت عهد خوارزمشاهیان استاد زرین کوب معتقد است که: «هر دو مجموعه که در زمان خود سرمشق بلاغت دیوانی عصر محسوب می‌شده‌اند نمایشگاه ملال‌انگیزی از تمام صنعت بازی‌ها و سجع‌پردازی‌های آمیخته به اطناب و تطویل و تکلف به نظر می‌آیند و اگر استنباط پاره‌یی اطلاعات تاریخی و اشارات مربوط به نظامات اداری عصر از آنها حاصل نمی‌شد خواننده امروز در آنها جز نمونه کامل مهمل نویسی و فساد انشاء چیزی نمی‌دید و هنر واقعی نویسندگان آنها را تنها عبارت ازین می‌یافت که به کمک سجع و موازنه و جناس و رعایت نظیر حداقل معنی را در حداکثر عبارت بگنجانند».^{۲۱}

سعدالدین وراوینی در باب مجموعه منشآت بهاء‌الدین محمد خوارزمی چنین اظهار نظر کرده است: «... و رسالات بهاء‌الدین بغدادی منشی حضرت خوارزم که به رسالات بهائی معروفست و اگر بهائی باشد به ثمن هر جوهر ثمین که ممکن بود حصیاتی که در مجاری انهار بیاننش یابند ارزان و رایگان نماید».^{۲۲} عوفی نیز در لب الکتب راجع به کتاب التوسل الی الترسل می‌گوید: «بحری است محیط صلو به درر معالی و سپهری بسیط مشحون به درازی غریب و کمال فضل او در آن پیداست که گذشتگان را در خجلت انداخته است و آیندگان را در تکاپوی طلب افکنده و افاضل کتّاب و امثال حجّاب و اصحاب صنعت و آریاب حکمت را سرمایه کامل بدست داده و برای مذکران عالی سخن ذخیره شگرف نهاده».^{۲۳} ملک الشعراء بهار با اشاره به پختگی انشاء و بی‌مانندی در انسجام و صحت قواعد نثر کتاب التوسل الی الترسل، آن را از لحاظ یکدستی و وحدت روش نیز بر بسیاری از نثرهای پیش از آن برتری می‌دهد. وی با ذکر این موضوع که لغات تازی در نثر کتاب یاد شده به صدی شصت و گاهی صدی هشتاد رسیده است و همه سطور را مترادفات و موازنه و سجع پر کرده است، می‌گوید: «و بالجمله باید اعتراف کرد که مقدمه فساد نثر درین دوره آغاز می‌کند و بالای عام تطویلات بلاطایل و عبارات بی‌مغز از این زمان بر سر نثر زیبای پارسی فرود می‌آیند».^{۲۴}

بهار معتقد است که دبیران در نامه‌هایی که از سوی خدایگان خود به سایر فرمانروایان و صاحبان قدرت می‌نوشتند مجبور به استفاده از لحنی پرآب و تاب بودند که موجب تفاوت این نامه‌ها با نامه‌های معمولی باشد.^{۲۵} با مطالعه در یکی از «اخوانیات» بهاء‌الدین خوارزمی

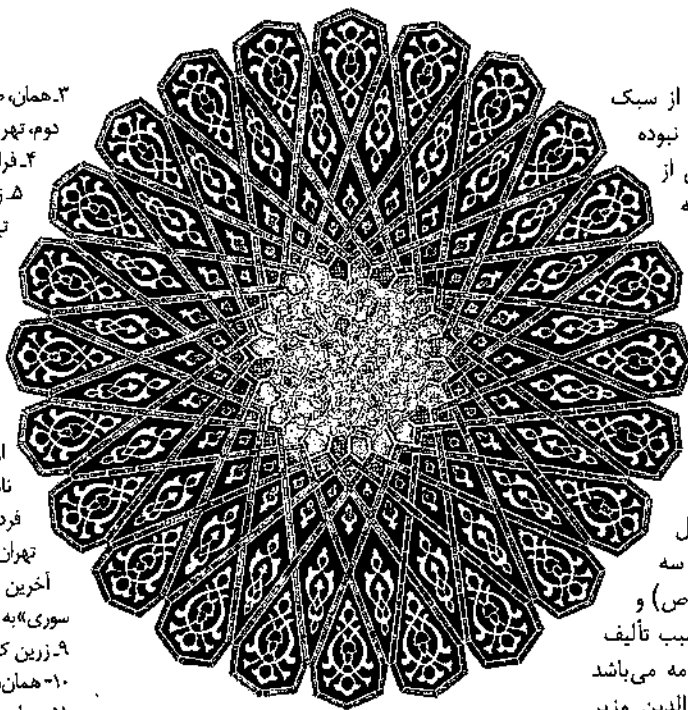
به روشنی می‌توان دریافت که او خود نیز از سبک مصنوع رابع در عصر خویش چندان راضی نبوده است. وی در ضمن نامه‌ای خطاب به یکی از دوستان خود با اشاره به «سنت معهود» که همانا استفاده از تکلفات ادبی و تفضیل و تعارفات معمول بوده می‌گوید: «راستی را آن رسم و سم تکلف گرفته است و در کشاکش استعمال خلق خلق گشته و چون شکایت روزگار بی‌زری تیزی شده...»^{۲۵}

احمد بهمنیار که در سال ۱۳۱۵ ه. ش. کتاب التوسل الی الترسل را پس از تصحیح منتشر ساخته است، درباره شیوه تقسیم‌بندی مطالب این کتاب می‌گوید: «این کتاب مشتمل است بر دیباچه و دو فصل مقدمه‌مانند و سه قسم. دیباچه در حمد خداوند و نعت پیغمبر (ص) و آل و اصحاب او و ستایش سلطان وقت و سبب تألیف کتاب است، و از دو فصل که به منزله مقدمه می‌باشد فصل اول را مؤلف به مدح و ثنای بهاءالدین وزیر اختصاص داده و در فصل دوم مختصری مفید در انشاء فارسی و سبک‌های مختلف نویسندگان و سبک و طریقه مختار خویش بیان کرده است. و اما سه قسم اصلی کتاب، قسم اول مشتمل بر فرمانها و مناشیر دیوانی و عهدنامه‌ها و فتح نامه‌ها و قسم دوم مشتمل بر نامه‌هایی است که از جانب سلطان به امرا و ملوک اطراف نوشته شده و قسم سوم مشتمل بر اخوانیات (نامه‌های خصوصی و دوستانه) و رقه‌ها و ملاطفاتی است که مؤلف به بزرگان عهد و دوستان نوشته است، و در پایان این قسم چند قطعه انشاء که افتتاح انواع مراسلات را شاید، به طور نمونه و مثال درج و مجموعه را به یک قصیده پارسی در عرض حال خویش و توصیف کتاب و یک قصیده تازی در مدح بهاءالدین وزیر ختم کرده است»^{۲۶}.

کتاب التوسل الی الترسل نه تنها اطلاعاتی بسیار ارزشمند از حوادث تاریخی عصر خویش به دست می‌دهد بلکه از «عادات و اخلاق و کیفیات حالات مردم و دربار و امراء و رجال نیمه دوم قرن ششم هجری» نیز سخن به میان آورده است.^{۲۷}

شاید گویا و موجزترین توصیف از کتاب التوسل الی الترسل را علامه قزوینی به عمل آورده است. وی می‌گوید: «مخفی نماند که این کتاب هم از لحاظ ادبی یعنی برای مقایسه بین طرق مختلفه و تحصیل ملکه کتابت از ممارست اسالیب متنوعه مذکوره و هم از لحاظ تاریخی بواسطه اشتمال آن بر اشارات کثیره به بسیاری از وقایع تاریخی اواخر دوره خوارزمشاهیه و معاصرین ایشان از غوریه و اتابکان آذربایجان و غیره هم فوق العاده مهم است»^{۲۸}.

با این توصیفات می‌توان گفت کتاب التوسل الی الترسل برای محققان تاریخ ایران در نیمه دوم قرن ششم هجری منبعی سرشار از اطلاعات گرانبها است و افرادی چون بارتولد، لمبتون و قفس اوغلی در



دومین مجموعه نامه‌های مربوط به دوره خوارزمشاهیان منشآت بهاءالدین محمدبن مؤید بغدادی (از اهالی بغدادک خوارزم) منشی علاءالدین تکش خوارزمشاه (۹۶ - ۵۶۸ ه) می‌باشد که با عنوان التوسل الی الترسل معروف است

کتاب التوسل الی الترسل نه تنها اطلاعاتی بسیار ارزشمند از حوادث تاریخی عصر خویش بدست می‌دهد بلکه از عادات و اخلاق و کیفیات حالات مردم و دربار و امراء و رجال نیمه دوم قرن ششم هجری نیز سخن به میان آورده است

تحقیقات خویش از مطالب این کتاب بهره‌برداری کامل کرده‌اند.^{۲۹} قفس اوغلی در کتاب تاریخ دولت خوارزمشاهیان در باب موارد استفاده کتاب التوسل الی الترسل می‌گوید: «این مجموعه مانند عرائس الخواطر (از منشآت رشید و طواط) راجع به مناسبات بسیار حساس بین خوارزمشاهیان و طوایف ترک قنقلی - قیچاق (Kankli - kipcak) در زمان سلطان تکش است و منابع و اسناد دست اول و ذیقیمتی دارد که در سایه آنها بررسی حوادث و علل و عوامل جریانات این دوره امکان‌پذیر می‌باشد»^{۳۰}.

پی‌نوشت‌ها:

- ۱- فرای، رن (گردآورنده): تاریخ ایران از اسلام تا سلاجقه، ترجمه حسن انوشه، چاپ اول، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۳، ص ۳۹۵.
- ۲- صفاء، ذبیح‌الله: تاریخ ادبیات در ایران، چاپ چهاردهم، تهران، انتشارات فردوسی، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۱۸۴.

- ۳- همان، صص ۸۷-۱۸۴ / ممتحن، حسینی: نهضت شعوبیه، چاپ دوم، تهران، انتشارات باورداران، ۱۳۶۸، صص ۵۵-۲۵۱.
- ۴- فرای، رن، پیشین، ص ۴۹۶.
- ۵- زرین کوب، عبدالحسین: از گذشته ادبی ایران، چاپ اول، تهران، انتشارات بین‌المللی الهدی، ۱۳۷۵، ص ۳۴.
- ۶- همان، ص ۵۵.
- ۷- ابن اسفندیار (بهاءالدین محمدبن حسن بن اسفندیار): تاریخ طبرستان، به تصحیح عباس اقبال، چاپ دوم، انتشارات پدیده (خاور)، ۱۳۶۶، صص ۱۱-۴۱.
- ۸- نامه فریدون به پسرانش «سلم» و «تور» اولین نامه مذکور در شاهنامه فردوسی می‌باشد و گزارشی که منوچهر از فتوحات خویش برای فریدون ارسال کرده، اولین فتح نامه یاد شده در شاهنامه می‌باشد. رک به:
- ۹- فردوسی، ابوالقاسم: شاهنامه، به تصحیح ژول مول، چاپ سوم، تهران، شرکت سهامی کتاب‌های جیبی، ۱۳۶۳، ج ۱، صص ۷۷-۹۷.
- ۱۰- آخرین نامه‌ای که در شاهنامه از آن یاد شده است نامه «ماهوی سوری» به «بیزن» می‌باشد: (شاهنامه فردوسی، ج ۲، صص ۲۵-۳۳).
- ۱۱- زرین کوب، عبدالحسین، پیشین، صص ۵۵-۵۶.
- ۱۲- همان، ص ۳۲.
- ۱۳- همان، ص ۳۳.
- ۱۴- همان، ص ۱۲۶.
- ۱۵- بهار، محمدتقی: سبک‌شناسی، چاپ نهم، تهران، انتشارات پدیده، ۱۳۷۶، ج ۲، صص ۶۹-۸۶.
- ۱۶- مرزبان بن رستم: مرزبان نامه، به اصلاح سعدالدین وراوینی، به تصحیح و تحشیه محمدبن عبدالوهاب قزوینی، تهران، کتابفروشی بازانی، بی تا، صص ۲-۳.
- ۱۷- زرین کوب، عبدالحسین، پیشین، ص ۱۲۲.
- ۱۸- همان، ص ۱۷.
- ۱۹- صفاء، ذبیح‌الله، پیشین، ج ۲، صص ۵۷-۹۶.
- ۲۰- بهار، محمدتقی، پیشین، ص ۸۷۰.
- ۲۱- زرین کوب، عبدالحسین، پیشین، صص ۳۳-۱۲۲.
- ۲۲- مرزبان بن رستم، پیشین، ص ۴.
- ۲۳- عوفی، سیدالدین محمد: لباب الالباب، به اهتمام ادوارد براون، لیدن، مطبعه بریل، ۱۳۲۱ ه. ق، ج ۱، ص ۱۳۹.
- ۲۴- بهار، محمدتقی، پیشین، ص ۸۷۱.
- ۲۵- همان، ص ۸۷۲.
- ۲۶- بهاءالدین محمدبن مؤید بغدادی: التوسل الی الترسل، با مقابله و تصحیح احمد بهمنیار، تهران، شرکت سهامی چاپ، ۱۳۱۵، ص ۳۲۵.
- ۲۷- همان - صص «ح» و «ط».
- ۲۸- بهار، محمدتقی، پیشین، ص ۸۷۰.
- ۲۹- بهاءالدین محمدبن مؤید بغدادی، پیشین، ص «کب».
- ۳۰- بارتولد در کتاب ترکستان در عهد هجوم مغول از کتاب التوسل الی الترسل به عنوان یکی از منابع عمده اطلاعات خود یاد کرده است. رک به بارتولد، و.و، ترکستان نامه (ترکستان در عهد هجوم مغول) ترجمه کریم کشاورز، چاپ دوم، تهران، انتشارات آگاه، ۱۳۶۶، ج ۱، صص ۹۸-۹۷ / لمبتون در کتاب تداوم و تحول در تاریخ میانه ایران، کتاب التوسل الی الترسل را مورد استفاده بسیار قرار داده است. رک به لمبتون، آن: تداوم و تحول در تاریخ میانه ایران، ترجمه یعقوب آژند چاپ اول، تهران، نشر نی، ۱۳۷۲، صص ۴۷-۳۹ / قفس اوغلی نیز در تحقیق خود راجع به خوارزمشاهیان از کتاب التوسل الی الترسل بخوبی استفاده کرده است. رک به:
- ۳۱- قفس اوغلی، ابراهیم: تاریخ دولت خوارزمشاهیان، ترجمه داود اصفهانیان، چاپ اول، تهران، نشر گستره، ۱۳۶۷، صص ۹۱-۹۰.
- ۳۲- قفس اوغلی، ابراهیم، پیشین، ص ۱۰.